



دانشگاه گوارزی و منابع طبیعی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی  
جلد سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵  
<http://jead.gau.ac.ir>

## توسعه آموزش عالی کشاورزی با تأکید بر کارآفرینی پایدار

رضا موحدی<sup>۱</sup>، فائزه گلی<sup>۲</sup> و مریم یوسفی محمدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بو علی سینا، همدان،  
<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بو علی سینا، همدان  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۲

### چکیده

توسعه آموزش عالی به عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه هر کشور، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در همین راستا توسعه آموزش عالی کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در رشد کشاورزی ایفا نموده و دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار کشاورزی را تضمین نماید. با وجود تمامی موفقیت‌ها و با در نظر گرفتن شرایط کشور باید پذیرفت که آموزش عالی کشاورزی در حال حاضر با چالش‌ها و تنگناهای متعددی روبه رو است. اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاب می‌کند تا دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی برای ایجاد و رونق کسب و کارهای کشاورزی به مقوله کارآفرینی پایدار توجه نمایند. کارآفرینی پایدار در پی پیشبرد اهداف توسعه از طریق تمرکز بر منابع موجود و همچنین حفظ آن‌ها برای نسل آینده می‌باشد. نظام آموزش عالی کشاورزی و توسعه آن در این راستا نقش بسیار مهمی در بسترسازی، ظرفیت‌سازی، فرهنگ سازی و ترویج فرآیند کارآفرینی و به دنبال آن کارآفرینی پایدار ایفا می‌کند. مقاله حاضر که به شیوه کتابخانه‌ای تهیه شده است، با هدف بررسی توسعه آموزش عالی کشاورزی و نقش کارآفرینی پایدار در این زمینه انجام شده است. این مقاله در ابتدا به بررسی نقش آموزش عالی در توسعه، مروری بر کارآفرینی پایدار و تعاریف آن و سپس توسعه آموزش عالی در کشاورزی و نقش کارآفرینی پایدار

\*مسئول مکاتبه: [r.movahedi@basu.ac.ir](mailto:r.movahedi@basu.ac.ir)

می‌پردازد. در نهایت ضمن بررسی چالش‌های آموزش عالی کشاورزی راهکارهایی جهت توسعه کارآفرینی پایدار در نظام آموزش عالی کشاورزی بیان می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه کارآفرینی، کارآفرینی پایدار، آموزش عالی کشاورزی، آموزش کارآفرینی

### مقدمه

واضح است که توسعه آموزش عالی به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه هر کشور، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در همین راستا توسعه آموزش عالی کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در رشد کشاورزی ایفا نموده و دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار کشاورزی را تضمین نماید. با وجود تمامی موفقیت‌ها و با در نظر گرفتن شرایط کشور باید پذیرفت که آموزش عالی کشاورزی در حال حاضر با چالش‌ها و تنگناهای متعددی روبه‌رو است. اشتغال نامناسب دانش‌آموختگان، عدم گرایش افراد (به‌خصوص نخبگان) به فعالیت‌ها و اقدامات کارآفرینانه، عدم ارتباط مؤثر بین بخش‌های آموزشی با کشاورزان، روش‌های آموزشی نامطلوب، عدم شناخت کافی دانشجویان کشاورزی نسبت به اهمیت کارآفرینی و خود اشتغالی و غیره از جمله این تنگناها می‌باشد. لذا آموزش عالی در حیطه کشاورزی باید متحول شده و به صورتی پویا و پایدار درآمد (ورمزیاری و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که در سال‌های اخیر توسط بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران برای حل مشکلات مذکور مطرح شده است، توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها می‌باشد (Walter and Dohse, 2009). برای این منظور، دانشگاه‌ها بایستی رویکردی اتخاذ نمایند که ضمن ارائه دانش جدید، نگرش‌ها، مهارت‌ها، نیت‌ها و رفتارهای کارآفرینانه را در بین دانشجویان نهادینه کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸). در ایران نیز تعدادی از دانشگاه‌ها تلاش کرده‌اند که با تدوین و ارائه برنامه‌های توسعه کارآفرینی در جهت ارتقای رفتارهای کارآفرینانه دانشجویان اقدام نمایند (آراستی و همکاران، ۱۳۹۰). این در حالی است که تجارب به دست آمده نشان می‌دهد با وجود توجه به برنامه‌های توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها، این برنامه‌ها همواره با مشکلات جدی و عدیده‌ای مواجه بوده و نتوانسته‌اند در جهت نهادینه کردن کارآفرینی در بین دانشجویان مثمر واقع شوند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۰). دلایل این امر با در نظر گرفتن کارآفرینی به عنوان یک حوزه علمی نوظهور به لحاظ موضوعی و محتوایی، عدم وجود یک

الگوی جامع و منسجم برای توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی می‌باشد (شیری و همکاران، ۱۳۹۲).

بنابراین با توجه به نقش و جایگاه بسیار مهم نظام آموزش عالی کشاورزی در توسعه پایدار و وجود قابلیت‌ها و استعدادهای فراوان دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی، ضروری است تا با پرداختن به موضوعات جدید از جمله کارآفرینی پایدار راهکارهای اساسی برای بهبود وضعیت دانشجویان و دانش‌آموختگان بخش کشاورزی جستجو و مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، تا با در نظر گرفتن ابعاد مختلف نظام آموزش عالی کشاورزی و در راستای رشد و توسعه کمی و کیفی آن، بسترها و شرایط لازم برای برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در این خصوص فراهم گردد. از این طریق نظام آموزش عالی کشاورزی موجود کشور با تأکید بر اصول بنیادین آموزش، پژوهش و برنامه‌ریزی به گونه‌ای منطقی و واقع‌بینانه در مدیریت و برنامه‌ریزی دروس و برنامه‌های آموزش کشاورزی در دانشگاه‌ها عمل نماید. بنابراین، مقاله حاضر که به شیوه کتابخانه‌ای تهیه شده است، با هدف بررسی توسعه آموزش عالی کشاورزی و نقش کارآفرینی پایدار در این زمینه انجام شده است.

**نقش آموزش عالی در توسعه:** توسعه، فرآیند تحول همه جانبه و حرکت از یک مرحله تاریخی به مرحله‌ای جدید به منظور خلق ظرفیت‌های جدید و ارتقاء قابلیت‌ها و توانایی‌های انسانی، آموزشی، اقتصادی و ... است. تحقق چنین فرآیندی مستلزم تحول جوامع است. مطالعات و تجربیات بین المللی، بیانگر این است که توسعه پایدار و همه جانبه، از بستر نیروی انسانی می‌گذرد و پیش شرط رخداد و تداوم هر توسعه و تحولی، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است که به منزله رکن و هسته اصلی و محوری هر جامعه‌ای می‌باشد. به بیان امروزی، دانش، رکن اصلی توسعه و نظام آموزشی نیز گذرگاه رسیدن به دانش به‌شمار می‌آید. بر این اساس، بر خلاف پیشگامان نظریه توسعه که همواره بر اهمیت ایجاد و گسترش منابع مادی و کالبدی تأکید داشتند، امروزه، به لحاظ اهمیت آموزش و پرورش در زندگی افراد و جوامع، از هزینه‌های آموزشی به عنوان یک سرمایه‌گذاری بنیادی یاد می‌شود. اهمیت آموزش در مقوله توسعه پایدار به گونه‌ای است که در مجامع بین‌المللی نیز به آن توجه بارزی می‌شود. به‌عنوان نمونه سازمان ملل از زمانی که مفهوم توسعه پایدار برای اولین بار در این سازمان مطرح گردید، به نقش آموزش در توسعه پایدار پرداخته و در این حوزه مطالعات، کنفرانس‌ها و همایش‌های متعددی را نیز برگزار نموده است. سازمان ملل نقش آموزش در توسعه پایدار را در چهار محور تبیین کرده است (یونسکو، ۲۰۰۲).

ارتقا و بهبود آموزش پایه: دسترسی به آموزش‌های پایه و اولیه هنوز در برخی از کشورها آسان و امکان‌پذیر نیست. آموزش‌های پایه نه تنها باید بر ارتقاء سطح سواد افراد متمرکز باشند، بلکه به اشاعه دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و ارتقاء سطح زندگی شهروندان نیز به گونه‌ای بپردازد که منجر به حیات پایدار آن‌ها گردد.

بازبینی آموزش‌های کنونی با هدف تحقق توسعه پایدار: اصول و ارزش‌های مبتنی بر توسعه پایدار در حوزه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی می‌بایست در همه رشته‌ها و محتوای آموزشی لحاظ گردد.

ایجاد ذهنیت و آگاهی مشترک از پایداری: تحقق توسعه پایدار در یک جامعه مستلزم آن است که افراد آن جامعه از اهداف جوامع پایدار آگاهی داشته باشند و مهارت و دانش لازم برای تحقق این اهداف را کسب نمایند.

تربیت نیروهای کاری: کلیه نیروهای کاری در بخش‌های مختلف مشارکت لازم را در حوزه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی در راستای تحقق پایداری داشته باشند. طراحی و تدوین برنامه‌های تربیتی تخصصی به نحوی که کلیه بخش‌ها و صنایع دانش و مهارت لازم برای ارائه عملکرد پایدار در محیط کار را کسب نمایند (اطاعت، ۱۳۷۸).

اگر نظام آموزش عالی بتواند نقش مهم‌تری در قبال توسعه اقتصادی ایفا کند، جایگاه آن در جامعه روشن‌تر خواهد شد. در جوامعی که مراکز آموزشی و پژوهشی، پویا و زنده هستند و با جامعه ارتباط دوسویه دارند. پدیده رشد و توسعه در آن‌ها جدی است و حرکت، نوآوری و ابداع وجود دارد. البته جایگاه واقعی آموزش عالی زمانی مشخص می‌شود که نقش آن در امر توسعه همه‌جانبه همچون توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز مورد توجه قرار گیرد. در این شرایط است که می‌توان انتظار چشم‌اندازی روشن داشت و به آینده امیدوار بود (تسلیمی، ۱۳۷۸).

از سوی دیگر با توجه به نقش کارآفرینی در گسترش فعالیت‌های نوآورانه اجتماعی و اقتصادی، امید می‌رود دانشگاه‌ها با تلاش بیشتر، برنامه‌های متناسب برای تربیت نیروهای متخصص و کارآفرین را تنظیم و اجرا کنند. زیرا اساسی‌ترین عامل پایداری نظام آموزش عالی (دانشگاه)، پرورش و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و ماهر به‌منظور پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های گوناگون است، نظامی که می‌تواند دانشجویان را به‌عنوان نوآوران، اندیشمندان، حرفه‌شناسان،

و حتی مخترعان، تربیت و به جامعه عرضه کند. روشن است زمانی دانشگاه‌ها می‌توانند به جامعه یاری رسانند که بتوانند با پیشرفت‌های دانش و فناوری هماهنگ باشند (فرهنگی و حسینی، ۱۳۷۸).

**توسعه آموزش عالی کشاورزی و نقش کارآفرینی پایدار:** مطالعه وضعیت آموزش عالی از نظر کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا امروزه بیکاری دانش‌آموختگان این بخش از آموزش عالی به یکی از چالش‌های اساسی بخش کشاورزی تبدیل شده است (حسینی و حسینی، ۱۳۹۱). آموزش عالی کشاورزی با سهمی برابر با ۴۷ درصد کم‌ترین سهم را در اشتغال دانش‌آموختگان به خود اختصاص داده است (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۵). از این رو یکی از راه‌حلهایی که این روزها مطرح می‌شود، توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی است. بررسی وضعیت آموزش عالی کشاورزی و دانش‌آموختگان این بخش در کشور نشان از این امر دارد که یکی از مشکلات اساسی و عمده آموزش عالی کشاورزی، توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان این بخش است (یعقوبی، ۱۳۸۸). در واقع دانشگاه‌ها به‌عنوان متولی اصلی پرورش نیروی متخصص جامعه، نقش کلیدی و تعیین کننده در توسعه کارآفرینی در کشور دارند، از این رو یکی از مهم‌ترین و جدیدترین ماموریت‌های کلیدی دانشگاه‌ها توسعه و پرورش کارآفرینان بالقوه است (رضوی و زالی، ۱۳۸۷). مطالعه‌های انجام شده در زمینه کیفیت آموزش عالی کشاورزی، نشان‌دهنده وضعیت نه چندان مطلوب آن است. از جمله مقدس فریمانی و زمانی (۱۳۸۵) بیان می‌کنند آموزش عالی کشاورزی در کشور همگام با سرعت تغییر و تحولات، کارایی لازم را نداشته و فراگیران را برای سازگاری با شرایط متغیر و متحول آماده نمی‌کند. ابن علی و رجبی نسب (۱۳۸۵)، نیز در تحقیقی موانع کارآفرینی دانش‌آموختگان بخش کشاورزی را نداشتن کارایی لازم نظام آموزش عالی در بخش کشاورزی، نبود یک الگوی مشخص برای کارآفرینی نیروهای دانش‌آموخته، دیر بازده بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و متولیان امر کارآفرینی بیان کرده‌اند. نتیجه مطالعه دیگری نشان داد که بازنگری در برنامه‌ها، محتوای درسی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف مراکز آموزش عالی در تبدیل دانشگاه سنتی به یک دانشگاه کارآفرین ضروری بوده هم‌چنین آموزش کارآفرینی می‌تواند در افزایش مهارت‌های دانشجویان، خلاقیت، اعتماد به نفس و نیز مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی آن‌ها اثرگذار باشد (Gallowy et al., 2005). مطالعات در این باره نشان داده است که چنین آموزش‌هایی توانسته افراد را مسئولیت‌پذیرتر بارآورده و آن‌ها را تبدیل به کارآفرین یا متفکران حوزه‌ی کارآفرینی کرده و در چالش‌های کسب و کار، موفق و خطرپذیر کند، در نتیجه نرخ

بیکاری و شکست کسب و کارها نیز کم‌تر شده است. با توجه به نقش و جایگاه نظام آموزش دانشگاهی در تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص موردنیاز برای جامعه، بی‌هیچ‌شکی می‌توان اظهار کرد که دانشگاه‌ها قابلیت‌های بسیار فراوانی در توسعه امر کارآفرینی از طریق ارائه انواع آموزش‌های رسمی چه در داخل دانشگاه و چه بیرون از دانشگاه دارا می‌باشند. از آن‌جا که آموزش عالی محور اصلی توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کشوری است بنابراین باید از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه و بررسی قرارگیرد تا بتوان از آن در پیش‌بینی و دستیابی به اهداف مورد انتظار کمک گرفت (خواجه شاهکوهی و صحنه، ۱۳۸۷).

یکی از جنبه‌های مهم مبحث کارآفرینی، کارآفرینی پایدار است. به‌طور کلی ارتباط بین آموزش عالی و کارآفرینی پایدار حداقل در کشور ما موضوع بسیار جدید و در عین حال بحث برانگیزی است. در این دیدگاه انتظار می‌رود دانشگاه‌ها از یک طرف به رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی در آینده پردازند و از طرف دیگر نقش خود را در رفع نیازهای آموزشی، پژوهشی و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی جامعه ایفا نمایند (قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹). در همین راستا توسعه فرهنگ تلفیق‌پذیری در فرایند کارآفرینی (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۳) و آماده‌سازی بسترها و زمینه‌های لازم برای کارآفرینی پایدار در نظام دانشگاهی در رشته‌های کشاورزی (سپه پناه و موحدی، ۱۳۹۴) امری ضروری و مسلم محسوب می‌گردد.

به همین خاطر هست که در سال‌های اخیر اهمیت ویژه‌ای به مباحث آموزش سبز، آموزش عالی پایدار یا دانشگاه پایدار و تلفیق موضوعات و مباحث پایداری در دانشگاه‌ها معطوف گشته است. به‌طوری‌که، سازمان ملل سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۵ را به‌عنوان دهه آموزش برای توسعه پایدار با هدف ایجاد فرصت یادگیری برای هر فرد در زمینه ارزش‌ها، رفتارها، و سبک‌های زندگی پایدار برای آینده معرفی کرده است (Bartlett and Chase, 2004; Lozano, 2006).

با وجود گسترش برنامه‌ها و مباحث پایداری در دانشگاه‌ها ولی باز هم این موضوع در اکثر دانشگاه‌ها به‌عنوان یک ایده جدید و یک نوآوری مطرح می‌باشد (De Haan, 2006; Lozano, 2006). در این خصوص به اعتقاد (Elton, 2003; Lozano, 2010) اگر چه دانشگاه‌ها به‌عنوان عوامل اصلی تغییر اجتماعی محسوب شده‌اند ولی خود هم اکنون با عدم تغییر در برنامه‌هایشان مواجه‌اند. شاهد این مدعا صنعتی شدن روز افزون دنیای پیرامون و از طرفی خروج دانش‌آموختگان زیاد با دانش تخصصی نامناسب و ناهماهنگ با صنعت می‌باشد. از طرفی اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی و

اجتماعی کشور ایجاب می‌کند تا دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی برای ایجاد و رونق کسب و کارهای کشاورزی به مقوله کارآفرینی پایدار توجه نمایند. در مجموع کارآفرینی پایدار به عنوان یک حوزه کاری و پژوهشی مهم در پی پیشبرد اهداف توسعه از طریق تمرکز بر منابع موجود و همچنین حفظ آن‌ها برای نسل آینده می‌باشد. کارآفرینی پایدار لزوم توجه به تمامی ابعاد درگیر در فرآیند توسعه از جمله ابعاد اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد.

### مروری بر کارآفرینی پایدار

**تعریف کارآفرینی پایدار:** کارآفرینی پایدار مفهومی است که توسعه پایدار را به کارآفرینی پیوند زده و با مفاهیمی مانند کارآفرینی محیط‌زیست، کارآفرینی سبز، و کارآفرینی اجتماعی ترکیب شده است. با این حال، مفاهیم بالا با هم تداخل دارند و ایجاد یک مرز دقیق بین آن‌ها دشوار (Gibbs, 2009) گاهی اوقات ساده اما مبهم است (Hall and et al., 2010). می‌توان متوجه شد که بسیاری از مطالعات موجود در کارآفرینی بیش از حد بر روی "کارآفرینی زیست‌محیطی" تمرکز دارند (Schlange, 2006; Schick and et al., 2005; Krueger, 2005; Gibbs, 2009; Dixon and ) (Clifford, 2007; Dean and McMullen, 2007; Cohen and Winn, 2007).

تعاریف مهمی از کارآفرینی پایدار توسط محققان در سال‌های اخیر پیشنهاد شده است. به عنوان مثال، در تعریف ارائه شده توسط کرالز و فریک (Crals and Vereeck, 2004) چنین آمده است: تعهد مداوم به کسب و کار و داشتن اخلاق مناسب در حین انجام کار، کمک به توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی خانواده، جامعه محلی و جهانی و همچنین نسل‌های آینده. واضح است که این تعریف جدا از کسب سود و توجه به بعد "اقتصادی"، بر بعد "اجتماعی" نیز متمرکز شده است. دین و مک مولن (Dean and McMullen, 2007) نیز تعریف مشابهی ارائه می‌دهند، فرآیند کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی که در شکست بازار وجود دارند و از پایداری کمی برخوردارند اما با محیط‌زیست سازگار هستند. پس در تعریف اخیر علاوه بر بعد "اقتصادی"، بعد "زیست‌محیطی" نیز اضافه شده است و می‌توان گفت که این تعریف "متمرکز بر محیط‌زیست" است.

دو تعریف بالا به جهت‌گیری اجتماعی و زیست‌محیطی محدود می‌شود. با این حال تیلی و یانگ (Tilley and Young, 2009) از جمله محققانی هستند که معتقدند "کارآفرینان پایدار" کسانی هستند

که علاوه بر تمرکز بر جنبه‌های زیست‌محیطی، جنبه‌های اقتصادی یا اجتماعی کارآفرینی را باید با استفاده از شیوه‌های پایداری در تمامی اجزای توسعه پایدار ترکیب کنند و کارآفرینی پایدار را به صورت یک فرآیند کل‌نگر در نظر بگیرند. علاوه بر این هوکرتز و وستنهاگن (Hockerts and Wustenhagen, 2010) معتقد هستند که کارآفرینی پایدار نه تنها باید بر ابعاد حفاظت از محیط‌زیست ناظر باشد بلکه باید بر ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز دلالت داشته باشد.

آبراهامسون (Abrahamsson, 2007) اضافه می‌کند که مفهوم کارآفرینی پایدار بر سه بعد تأکید دارد: (۱) ایجاد نوآوری برای حل مشکلات مربوط به پایداری، (۲) ارائه راه حل به بازار از طریق سازماندهی خلاقانه، (۳) افزایش ارزش پایداری با احترام گذاشتن به نظام‌های پشتیبانی از زندگی. در مطالعات اخیر هوکرتز و وستنهاگن (۲۰۱۰) کارآفرینی پایدار به این صورت تعریف شده است: کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی موجود در تولیدات نامتعادل بازار به منظور ایجاد محیط‌زیست و اجتماعی پایدارتر. در تعریف دیگری شفرد و پاتسلت (Shepherd and Patzelt, 2008) حفاظت از محیط‌زیست، حمایت از زندگی و جامعه هم‌چنین حفظ محصولات، فرآیندها و خدمات در آینده را بیان داشته‌اند. به طور کلی این تعریف شامل دستاوردهای اقتصادی و غیر اقتصادی برای افراد، اقتصاد و جامعه است. این دو تعریف به نوعی نسبت به تعاریف قبلی کامل‌ترند، چرا که همه جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را در نظر گرفته‌اند.

اما تعریف ارائه شده توسط آنایل و اکباسران (O'Neil and Ucbasaran, 2009) متفاوت از بقیه تعاریف است. آن‌ها بیان می‌کنند "کارآفرینی پایدار فرآیند ایجاد سرمایه‌گذاری‌هایی است که منجر به پیدایش شرکت‌های با ارزش افزوده‌ای شوند که به توسعه پایدار اجتماعی و زیست‌محیطی کمک کنند". از طرف دیگر نورس (Nurse, 2006) تأکید می‌کند که ویژگی‌های فرهنگی نقش مهمی در ایجاد شرکت‌های مذکور دارند. این تعریف بینش جدیدی از کارآفرینی را فراهم می‌کند که در آن ویژگی‌های فرهنگی به عنوان یک زمینه است که باید پایدار بماند. در واقع نورس (۲۰۰۶) اشاره به این نکته دارد که فرهنگ باید در کنار عدالت اجتماعی و مسئولیت‌های زیست‌محیطی و جنبه‌های اقتصادی گنجانده شود بر اساس تعاریف فوق، می‌توان گفت که موضوع اصلی کارآفرینی پایدار "حفاظت از اقتصاد، محیط‌زیست، اجتماع و فرهنگ" است به گونه‌ای که بتواند نوآوری، خلاقیت، و تلاش‌های جدید را پوشش دهد. با اشاره به تعاریف فوق، کارآفرینی پایدار به شرح زیر تعریف می‌شود:



فرآیندی که در آن کارآفرینان با بهره‌برداری از فرصت‌ها به صورت نوآورانه برای منافع اقتصادی، عدالت در جامعه، کیفیت محیط‌زیست و حفظ فرهنگ در تلاشند (Abdul Majid and Loon Koe, 2012). دو جزء اصلی این تعریف نیاز به توضیح بیشتر دارد. اول، پایداری است که منظور حفاظت از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی به صورت برابر است به طوری که بر این چهار حوزه به یک اندازه تأکید می‌شود. دوم، کارآفرینان یعنی کسانی که به اندازه کافی ایده‌های نوآورانه برای ایجاد تغییر در کسب و کار، فرآیندها یا محصولات خود در جهت رسیدن به پایداری را دارا باشند (همان منبع).

### ابعاد کارآفرینی پایدار

**بعد اقتصادی:** بعد اقتصادی به رشد اقتصادی و سایر پارامترهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارا از منابع طبیعی و توزیع عادلانه منافع حداکثر شود. پایداری در اقتصاد را می‌توان در ایجاد رشد عادلانه و متوازن جامعه انسانی و تضمین بهره‌مندی تک تک انسان‌ها در طول زمان بدون وارد آوردن خدشه به منابع زیستی، طبیعی و فرهنگی تعریف نمود (جعفریان و عبدالحسین پور، ۱۳۸۵).

پاریش و فوکسون (Parrish and Foxon, 2009) نیز بر این باورند که کارآفرینان پایدار می‌توانند به عنوان کاتالیزور برای انتقال از اقتصاد فعلی به سمت اقتصاد پایدار عمل کنند و با پر کردن شکاف بین کسب و کار و سازمان‌های دولتی در ارائه کالا و خدمات اجتماعی و زیست‌محیطی نقشی مهم در جامعه داشته باشند. برخی دیگر بر این باورند که کارآفرینان پایدار با ایجاد کسب و کار پایدار به توسعه پایدار کمک می‌کنند (Dean and McMullen, 2007; Cohen and Winn, 2007). به عبارت دیگر، فرصت‌های سودآوری که توسط کارآفرینان به وجود می‌آید سبب ایجاد انگیزه برای توسعه پایدار می‌شود (Schick and et al., 2005; Schaper, 2002; Krueger, 2005; Gibbs, 2009).

**بعد اجتماعی:** در بعد اجتماعی می‌توان به آینده‌نگری و مسئولیتی که نسبت به نسل‌های آینده و تأمین نیازهای آن‌ها وجود دارد، سلامت جامعه و توجه به بهداشت و کیفیت زندگی مردم، عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی و تأکید بر حس مشارکت‌پذیری و تصمیم‌گیری جمعی و آموزش مردم اشاره کرد.

مفهوم جامعه پایدار فقط به توسعه کمی و کالبدی علاقه‌مند نیست، بلکه به توسعه کیفیت نیز علاقه‌مند است و به دنبال فرآیند پایدار زندگی برای نسل حاضر و نسل‌های آینده است (ثقه الاسلامی، ۱۳۸۵). بعد زیست‌محیطی: این بعد با حفاظت و تقویت منابع محیط‌زیست، زیست‌شناسی و بوم‌شناسی مرتبط است و به رابطه طبیعت و انسان می‌پردازد. پایداری بوم‌شناختی را می‌توان در تداوم و ارتقای سلامت و کارکردهای اصلی محیط‌زیست تعریف نمود. اصل مهم در تفکر پایداری نگرش چند مقیاسی و فرامقیاسی نسبت محیط‌زیست و مدیریت فعالیت‌های انسانی است. بر مبنای این دیدگاه، هر فعالیت توسعه انسانی، نظیر ساخت محیط انسان، در حیطه یک یا چند بوم سامانه اصلی اتفاق می‌افتد. لازمه برقراری و یا تداوم حالت پایدار در یک بوم سامانه همزیستی و ارتباط متعادل تمام ارکان و عناصر آن با یکدیگر و با محیط فراتر می‌باشد. بنابراین شناخت مسیرهای آسیب‌پذیری می‌تواند منجر به ایجاد نظام‌های پایدار انسان ساخت شود (جعفریان و عبدالحسین پور، ۱۳۸۴).

این بعد توجه بیشتر محققان را در مطالعات کارآفرینی پایدار به خود جلب کرده است. برخی محققان بر این باورند که زیست بوم اساس سیستم‌های زیست‌محیطی است، زیرا منابع طبیعی، مانند هوا، آب و انرژی بخشی از محیط‌زیست ما هستند که با توجه به این‌که این منابع کمیاب و غیر قابل تجدید هستند بنابراین، نیاز است که حفظ شوند (Shepherd and Patzelt, 2008 Slaper and Hall, 2011). حفظ محیط‌زیست، بعد زیست‌محیطی و طبیعت در حال حاضر توجه بیشتر محققان کارآفرینی را به خود جلب کرده است. همان‌طور که پاریش (Parrish, 2010) بیان می‌کند با افزایش آگاهی درباره توسعه پایدار از دهه ۱۹۷۰، کارآفرینان اغلب از خود می‌پرسند چه نقشی می‌توانند در اصلاح مشکلات تخریب زیست‌محیطی ایفا کنند و چگونه می‌توانند از طریق اقدامات کارآفرینی به‌طور مستقیم به توسعه پایدار کمک کنند.

بعد فرهنگی: فرهنگ در برگزیده ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و رفتارهای مشترک بین افرادی است که با یکدیگر کار می‌کنند. در واقع، فرهنگ شیوه زندگی گروهی از مردم تعریف می‌شود. فرهنگ محیطی است که افراد را در هر لحظه احاطه کرده و تعیین‌کننده نگاه انسان به پدیده‌ها، سبک زندگی و رفتار آنهاست. بنابراین شیوه برخورد افراد نسبت به مسایل زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی نیز تحت تأثیر فرهنگ خواهد بود. فرهنگ امری اکتسابی و آموختنی است. ارزش‌ها، باورها و رفتار افراد را می‌توان با استفاده از ابزار آموزش تحت تأثیر قرار داد و در جهت مورد نظر اصلاح نمود. از آنجا که

بافت و فرهنگ محلی تأثیر زیادی بر ابعاد توسعه دارد، توسعه پایدار در سطح جهانی اشکال مختلفی پیدا خواهد کرد. آرمان‌ها و اصول توسعه پایدار مفاهیم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد از جمله: برابری بین نسلی، برابری جنسیتی، تعادل اجتماعی، کاهش فقر، حفاظت و احیا محیط زیست، حفاظت از منابع طبیعی و ایجاد جوامعی که صلح بر آن‌ها حاکم است (آراسته و امیری، ۱۳۹۱).

سابقه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی: طی دهه ۱۹۸۰ دانشگاه‌ها بر حسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی برنامه‌های آموزشی متعددی را برای سازمان‌های خصوصی و عمومی طراحی نمودند. دولت‌های اروپایی نیز حمایت‌های ویژه‌ای از فعالیت‌هایی که منجر به تشویق کارآفرینی بین جوانان می‌شود، اعمال کرده‌اند (احمدپورداریانی، ۱۳۸۲).

در ایالات متحده آمریکا نیز آموزش کارآفرینی در دوره‌های دانشگاهی و توسط موسسات خاص مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. کانادا و برخی از کشورهای آسیایی همچون فیلیپین، هند و مالزی نیز گام‌هایی اساسی جهت حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی و رسیدن به کارآفرینی پایدار برداشته‌اند. این حمایت‌ها شامل ارائه راهنمایی‌های عملی، مشاوره، ارائه تسهیلات مالی و برگزاری دوره‌های ویژه در خصوص کارآفرینی در درون دانشگاه‌ها و یا خارج از دانشگاه‌ها بوده است (Gibb, 1990). دوره‌های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز نموده، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. امروزه تنوع این دوره‌ها شامل کسب و کارها و شرکت‌های مختلف شده است. اهداف این دوره‌ها در راستای رشد، بقا و کارآفرین نمودن افراد متکی بنفس و آگاه به فرصت‌ها و به‌طور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند (Cotton, 1990). در واقع هدف این بوده تا افراد در طی دوران تحصیل، موسس<sup>۱</sup> تربیت شوند و این افراد شامل پیشروان در فعالیت‌ها، ماجراجویان، جسوران، مبتکران، فرصت طلبان، جاه طلبان و ارتقاجویان می‌باشند (Gibb, 1987). این قبیل از دوره‌ها به دنبال بهبود و انگیزش گرایش‌های افراد همچون تمایل به استقلال، فرصت‌جویی، ابتکار، تمایل، مخاطره‌پذیری، تعهد به کار، تمایل به حل مشکلات و لذت بردن از مواجه شدن با عدم قطعیت و ابهام می‌باشد. بر اساس مطالعات انجام شده در آمریکا تعداد دانشکده‌هایی که دوره‌های کارآفرینی را در

---

1- Enterprising

برنامه‌های آموزشی خود گنجانده بودند از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۸ به بیش از ۱۳۰ دانشکده رسیده بود و در سال ۱۹۸۰ تعداد آن‌ها به ۱۶۳ دانشکده افزایش یافت (Vesper and Gartner, 2000). از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ یعنی در فاصله پنج سال با افزایش ۹۰ دانشکده دیگر که رشته‌های کارآفرینی را ارائه می‌کردند این تعداد به ۲۵۳ دانشکده رسید. بسیاری از دانشکده‌ها، رشته‌های کارآفرینی را به صورت استاندارد شروع می‌کنند که شامل پروژه‌های طراحی شرکت‌های نوپا، مطالعات موردی، بررسی‌ها و سخنرانی‌ها می‌باشد. در سال ۱۹۹۰ تعداد دانشکده‌های کارآفرینی به بیش از ۵۰۰ دانشکده افزایش یافت. به طوری کلی تا سال ۱۹۹۰، چهار دسته اصلی از دوره‌های آموزشی کارآفرینی شکل گرفت:

دسته اول: برنامه‌هایی برای آگاهی و جهت‌گیری به سوی کارآفرینی  
دسته دوم: برنامه‌های آموزشی برای توسعه شرکت‌های تازه تأسیس  
دسته سوم: دوره‌هایی برای رشد و بقای کارآفرینان و شرکت‌های کوچک  
دسته چهارم: توسعه آموزش کارآفرینی به طوری که استاد و دانشجو با نقش‌های نوین خود آشنا گردند (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۷۰).

آموزش و پرورش کارآفرینان در نظام آموزش عالی کشور ما با بیش از ۲۰ سال تأخیر نسبت به کشورهای توسعه یافته در اواخر سال ۱۳۷۹ در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با عنوان طرح کاراد مورد توجه قرار گرفت. براساس برنامه سوم توسعه کشور طرحی تحت عنوان "طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور" که به اختصار کاراد نام گرفته است تدوین و اجرای آن با نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ۱۲ دانشگاه کشور شروع و مسئولیت پیگیری، اجرا و امور ستادی آن از سوی وزارت علوم در اواخر سال ۱۳۷۹ به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار گردید (گزارش دبیرخانه کاراد، ۱۳۸۰). خوشبختانه طی چند سال گذشته توجه مسئولین دولت به برنامه‌های آموزش کارآفرینی چه در سطح دانشگاه و چه در سطوح مختلف آموزش و پرورش مورد توجه و تأکید اساسی قرار گرفته است به گونه‌ای که دروس مرتبط با کارآفرینی با عناوینی مثل کارآفرینی، خوداشتغالی، کار و فناوری، قوانین کسب و کار و از این قبیل در برنامه‌های درسی سطوح مختلف تحصیلی گنجانده شده‌اند.

**توسعه کارآفرینی پایدار در نظام آموزش عالی کشاورزی:** آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشاورزی به دلیل ویژگی‌های مناسبی که دانشگاه‌ها از نظر سرمایه فکری

(دانشجویان مستعد و اعضای هیات علمی) دارا می‌باشند (زارع یکتا، ۱۳۸۷) می‌تواند راهبردی بسیار مناسب برای ایجاد و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه و نوآورانه در زمینه کشاورزی باشد. از طرفی بخش کشاورزی به واسطه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوانی که هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ اجتماعی نسبت به سایر بخش‌ها دارا می‌باشد؛ بستر بسیار مناسبی برای توسعه کارآفرینی مبتنی بر دانش می‌باشد. در حقیقت کشاورزان امروزی و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی بایستی دیدگاه، نگرش و نقش خود را از یک تولید کننده صرف کشاورزی به یک کارآفرین کشاورزی تغییر دهند. متأسفانه تغییرات و برنامه‌های درسی که در طول دهه‌های گذشته در نظام آموزش عالی کشاورزی اجرا شده‌اند، باعث شده دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی آن طور که باید و شاید کارآفرین تربیت نشده یا قابلیت‌های کارآفرینی و خود اشتغالی بسیار پایینی داشته باشند. این مساله باعث شده تا توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی به یکی از مشکلات اساسی و عمده نظام آموزش عالی کشاورزی کشور تبدیل شود (یعقوبی، ۱۳۸۹). به طور کلی مراکز دانشگاهی چه مربوط به کشاورزی چه به طور عمومی در زمینه آموزش کارآفرینی و توسعه آن با چالش‌های جدی مواجه‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- چالش در ایجاد روش‌شناسی‌های تحقیق برای اندازه‌گیری اثر بخشی کارآفرینی
  - چالش در محتوا و شیوه‌های آموزش کارآفرینی
  - چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی
  - چالش در پذیرش آموزش کارآفرینی در دانشکده‌ها نسبت به کسب و کار
  - چالش در اثر بخشی روش‌های آموزشی
  - چالش در نیازهای یادگیری کارآفرینان (مقیم و احمدپورداریانی، ۱۳۸۷).
- گاراوان و اوسینید (۱۹۹۴)، نیز بر این باورند که در بیشتر آموزش‌های رسمی کارآفرینی به طور همه جانبه و تحلیلی به موضوع دانش پرداخته می‌شود. ولی چالش اصلی این است که مهارت به صورت کلی و ناکافی مورد توجه قرار می‌گیرد و موضوع نگرش‌ها نیز اغلب نادیده گرفته می‌شود. به‌طور کلی تحقیقات متعدد نشان می‌دهد اگرچه تنها افزودن یک دوره نظری در زمینه کارآفرینی به برنامه درسی آموزش کشاورزی لازم است اما کفایت نمی‌کند. بلکه بایستی چندین موضوع مرتبط با کسب و کار تجاری در کشاورزی را به برنامه‌های درسی در رشته‌های کشاورزی اضافه نمود (حسینی و عزیزی، ۱۳۸۴). در این رابطه جوردن (۲۰۰۰) یک رهیافت دوبعدی یکپارچه را معرفی می‌کند.

۱. تلفیق واحدهای دروس مدیریتی در درون برنامه‌های درسی آموزش کشاورزی
  ۲. تلفیق واحدهای نظری و عملی در درون برنامه‌های درسی آموزش کشاورزی.  
لذا برای توسعه کارآفرینی پایدار در نظام آموزش عالی کشاورزی انجام اقدامات ذیل ضروری می‌باشد.
    ۱. از طریق برنامه‌های متعدد (آشنایی با کارآفرینان موفق، مطالعات موردی در مورد کارآفرینان بخش کشاورزی، آشنایی با بازارهای مرتبط با محصولات کشاورزی، نحوه ایده یابی و ... سعی شود که ذهن و گرایش دانشجویان نسبت به تجارت و کسب و کار کارآفرینانه جلب شود.
    ۲. هریک از رشته‌های تخصصی کشاورزی اقدام به برگزاری برنامه‌های آموزش نظری و عملی در زمینه فرصت تجاری مرتبط با رشته خود و نحوه نگارش و آماده سازی یک طرح تجاری در زمینه رشته خود نماید.
    ۳. عناصر مختلف فرآیند کارآفرینی شامل ایده‌یابی، تبدیل ایده به طرح تجاری، تهیه منابع لازم و اجرای طرح به صورت آزمایش و آموزشی مورد توجه قرار گیرد.
    ۴. روش‌های تدریس متعددی که بایستی در جهت اجرای بهینه برنامه آموزش کارآفرینی به کار گرفته شود، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۴).
- همچنین موحدی (۱۳۹۳) تغییرات زیر را در برنامه‌های دانشگاهی آموزش کشاورزی در راستای توسعه کارآفرینی بیان داشته است:

۱. تأکید بر تربیت دانشجویان کارآفرین کشاورزی از طریق برنامه‌های درسی عملی
۲. تدوین برنامه‌های درسی در راستای نیازهای شغلی و کارآفرینی دانشجویان کشاورزی
۳. پی‌گیری و نظارت مستمر بر فعالیت‌های آموزشی دانشجویان کارآفرین و فراهم کردن پشتیبانی‌های لازم
۴. استفاده از افراد کارآفرین بخش کشاورزی برای تدریس و آموزش‌های عملی کارآفرینی کشاورزی
۵. انعطاف‌پذیری در ارائه شیوه‌ها و محتواهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در جهت توسعه روحیه کارآفرینی
۶. استفاده از دانشجویان کارآفرین موفق در امر آماده‌سازی، برنامه‌ریزی و هدایت فعالیت‌های آموزشی سایر دانشجویان
۷. ایجاد روحیه کارآفرینی و کارفرمایی در دانشجویان در زمینه نظام‌های کشاورزی تعاونی و خصوصی
۸. استفاده از تجربیات سایر کشورها از طریق مبادله دانشجو و استاد
۹. برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای اساتید دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی داخل دانشگاه‌ها

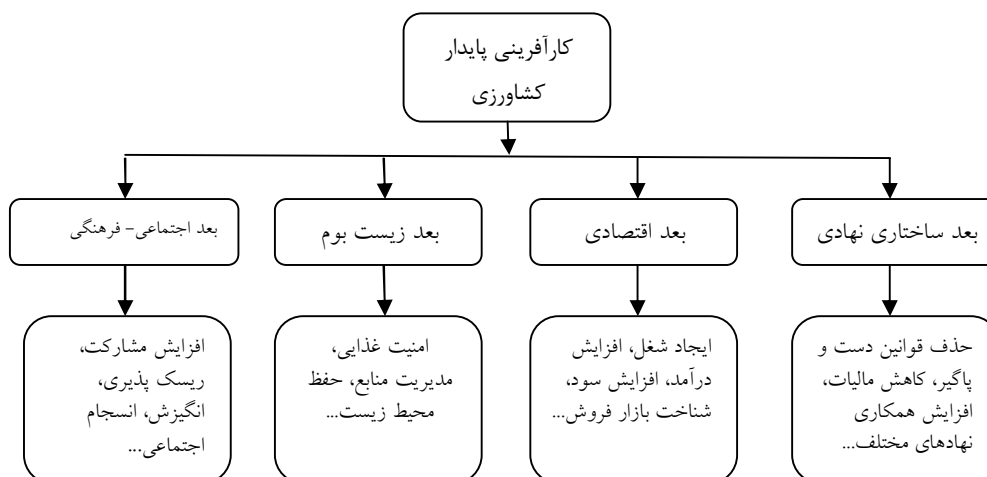
با توجه با موضوع این مقاله که به بررسی کارآفرینی پایدار در دانشگاه‌ها می‌پردازد. در این خصوص برخی ویژگی‌ها و اصول لازم برای تلفیق کارآفرینی پایدار در نظام دانشگاهی در جدول زیر ترسیم شده است.

جدول ۱- ویژگی‌ها و اصول لازم برای تلفیق کارآفرینی پایدار در آموزش عالی کشاورزی.

ویژگی	اصل	مثال
۱- تأکید بر پژوهش‌های بین رشته‌ای	بررسی کارآفرینی از نقطه نظر رشته‌های مختلف و تمایل به ترکیب این موارد از دیدگاه پژوهشی	بررسی حوزه کارآفرینی از دیدگاه‌های زیست‌محیطی، کشاورزی، اقتصاد و مدیریت
۲- حفاظت محیط‌زیست	در نظرگیری مسایل زیست‌محیطی در کسب و کارهای کشاورزی	کنترل هرز رفتن آب به درون زمین، مدیریت و کنترل آب‌های سطحی
۳- کاربرد روش‌های خلاق، متنوع و جایگزین	افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به روش‌های تفکرخلاق و انعطاف‌پذیر	افزایش محصولات کشاورزی با ارائه راه‌های ابتکاری در زمینه‌های مختلف کشاورزی
۴- مباحث علمی - اجتماعی	تشخیص زمینه‌های شکل‌گیری کارآفرینی کشاورزی در بستر جامعه	کارآفرینی در تولید، مصرف و فروش کود و سموم شیمیایی
۵- کاربرد دانش تخصصی کارآفرینی	به‌کارگیری کارآفرینی به‌صورت کاربردی، علمی و تخصصی	جداسازی واقعیت از افسانه و جزئیات از کلیات در حل مشکلات کشاورزی

(منبع: موحدی و همکاران، ۱۳۹۱)

کارآفرینی پایدار در کشاورزی نیازمند توجه به ابعاد و جوانب مختلف می‌باشد. این ابعاد را می‌توان شامل ساختاری و نهادی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست بوم کشاورزی دانست. در این دیدگاه در چارچوب نظام آموزش عالی می‌بایست مباحثی گنجانده شود که اهداف اساسی آن مواردی از قبیل افزایش امنیت غذایی، افزایش درآمد، اشتغالزایی، حفاظت محیط زیست، توزیع عادلانه ثروت، افزایش مشارکت‌های اجتماعی، انگیزش و خلاقیت باشد. شکل ۲ مدل کارآفرینی پایدار کشاورزی را نشان می‌دهد (سپه پناه و موحدی، ۱۳۹۴).



شکل ۲- مدل کارآفرینی پایدار کشاورزی (منبع: سپه پناه و موحدی، ۱۳۹۴)

### نتیجه گیری

بخش کشاورزی که مسئول اصلی تأمین غذا برای کشور می‌باشد در صورتی موفق به انجام این مسئولیت خواهد بود که سیاست‌های توسعه پایدار را در برنامه‌های خود مورد توجه قرار دهد. یکی از این سیاست‌ها توجه به مقوله کارآفرینی پایدار می‌باشد. کارآفرینی پایدار از طریق توسعه کسب و کارهای پایدار کشاورزی می‌تواند به بهبود وضعیت اشتغال در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، کمک کند.

با توجه به نقش و جایگاه نظام آموزش دانشگاهی در تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز برای جامعه، بی‌هیچ شکی می‌توان اظهار کرد که دانشگاه‌ها قابلیت‌های بسیار فراوانی در توسعه امر کارآفرینی از طریق ارائه انواع آموزش‌های رسمی در دانشگاه‌ها دارا می‌باشند. از طرفی اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاب می‌کند تا دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی برای ایجاد و رونق کسب و کارهای کشاورزی به مقوله کارآفرینی پایدار توجه نمایند. در مجموع کارآفرینی پایدار به‌عنوان یک حوزه کاری و پژوهشی مهم در پی پیشبرد اهداف توسعه کارآفرینی از طریق تمرکز بر منابع موجود و همچنین حفظ آن‌ها برای نسل آینده می‌باشد. همان‌طور



که نتایج تحقیقات نشان داد کارآفرینی پایدار لزوم توجه به تمامی ابعاد درگیر در فرآیند توسعه از جمله ابعاد اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد. نظام آموزش عالی کشاورزی و توسعه آن نقش بسیار مهمی در بسترسازی، ظرفیت‌سازی، فرهنگ‌سازی و ترویج فرآیند کارآفرینی و به دنبال آن کارآفرینی پایدار ایفا می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود روحیه کارآفرینی پایدار در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی چه از طریق برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و چه توسط اساتید مورد توجه جدی قرار گیرد. بر اساس نتایج این مقاله توسعه فرهنگ تلفیق‌پذیری در فرآیند کارآفرینی همچنین آماده‌سازی بسترها و زمینه‌های لازم برای کارآفرینی پایدار در نظام دانشگاهی در رشته‌های کشاورزی پیشنهاد می‌شود. این مساله مورد تایید قربانی شیخ‌نشین (۱۳۸۹)، عبدالله‌زاده و شریف‌زاده (۱۳۹۳)، سپه‌پناه و موحدی (۱۳۹۴) هم‌چنین تیلی و یانگ (Tilley and Young, 2009)، هوکرتز و وستنهاگن (Hockerts and Wustenhagen, 2010)، آبراهامسون (Abrahamsson, 2007) و شفر و پاتسلت (Shepherd and Patzelt, 2008) قرار گرفته است. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود موضوعات و مباحث پایدار در دانشگاه‌ها از قبیل مباحث آموزش سبز، آموزش عالی پایدار یا دانشگاه پایدار و دانشگاه کارآفرین ارائه و مورد توجه اساسی قرار گیرند.

## منابع

۱. ابن علی، ل. و رجیبی نسب، ع. ۱۳۸۶. موانع توسعه کارآفرینی دانشگاهی (بخش کشاورزی). همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی گذشته، حال، آینده، ۶ اسفند ۱۳۸۶، سمنان: دانشگاه سمنان.
۲. احمد پورداریانی، م. ۱۳۸۲. آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه‌ها را تغییر می‌دهد؟ مجله رهیافت، ۲۹: ۲۶-۱۵.
۳. آراسته، ح. و امیری، الف. ۱۳۹۱. نقش دانشگاه‌ها در آموزش توسعه پایدار. نشریه نشاء علم، ۲(۲): ۳۶-۲۹.
۴. آراستی، ز. سعید بنادکی، س. و ایمانی پور، ن. ۱۳۹۰. نقش آموزش درس "مبانی کارآفرینی" در قصد کارآفرینی دانشجویان رشته‌های غیر مدیریت (مطالعه موردی: دانشکده‌های هنر و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران). نشریه توسعه کارآفرینی، ۱۴ (۴): ۱۲۴-۱۰۷.

۵. اسکندری، ف.، حسینی، م. و کلانتری، خ. ۱۳۸۵. عوامل مؤثر بر عملکرد کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴ (۵۳): ۱۰۷-۱۳۲.
۶. اطاعت، ج. ۱۳۷۸. آموزش و توسعه. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳ (۱۲-۱۱): ۲-۱۴.
۷. تسلیمی، م. ۱۳۷۸. به سمت بازشناسی و تبیین مجدد نقش دانشگاه. دانش مدیریت، ۱۲ (۴۷): ۳-۱۱.
۸. ثقه‌الاسلامی، ع. ۱۳۸۵. راهکارهایی برای توسعه پایدار شهری در بافت‌های تاریخی. دو ماهنامه راه و ساختمان، ۷ (۳۵): ۱۵.
۹. جعفریان، م. و عبدالحسین پور، ف. ۱۳۸۵. ابعاد شخصیتی کارآفرینان و تمرکز بر ابعاد ساختاری و محیطی کارآفرینی. همایش شهر برتر، طرح برتر، ۱۲-۱۱ مرداد ماه، همدان: سازمان عمران شهرداری همدان.
۱۰. خواجه شاهکوهی، ع. و صحنه، ب. ۱۳۸۷. نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی. مجله نامه آموزش عالی، ۱ (۳): ۱۳۵-۱۲۵.
۱۱. حسینی، ر. و حسینی، الف. ۱۳۹۱. آموزش کارآفرینی رویکردی نو در جهت حل مشکل اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، ۲۳ آبان، بابلسر.
۱۲. حسینی، م.، حسینی، ف. و سلیمانپور، م. ۱۳۸۸. عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی استان تهران. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۵ (۲): ۱۱۱-۱۰۱.
۱۳. رستمی، ف.؛ گراوندی، ش. و زرافشانی، ک. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی تجربیات دانشجویان در تأسیس کسب و کار (مطالعه موردی: دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه). مجله توسعه کارآفرینی، ۴ (۱۴): ۱۰۵-۸۷.
۱۴. رضوانی، م. و زالی، م. ۱۳۸۷. بررسی تحلیلی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۱۶: ۵۱-۸۲.
۱۵. زارع یکتا، م. و طالبی، ک. ۱۳۸۷. آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط دانش بنیان. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱ (۱): ۱۳۱-۱۱۱.

۱۶. سپه‌پناه، م. و موحدی، ر. ۱۳۹۴. کارآفرینی پایدار رویکردی نو در کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۲(۱): ۱۹-۳۶.
۱۷. شیری، ن.، زرافشانی، ک. و میرک‌زاده، ع. ۱۳۹۲. آگوی مفهومی ترویج کارآفرینی در میان دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۴): ۶۸-۴۹.
۱۸. عبدالله‌زاده، غ. و شریف‌زاده، م.ش. ۱۳۹۳. تلفیق پایداری در فرآیند کارآفرینی: تبیین مفهوم، ضرورت و ملزومات کارآفرینی پایدارگرا و کسب و کار سبز. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۳): ۳۹-۶۳.
۱۹. عزیزی، ب. و حسینی، م. ۱۳۸۴. نقش آموزش و توسعه کارآفرینی کشاورزی در آموزش عالی. نشریه جهاد، ۲۴۷: ۱۴۰-۱۲۵.
۲۰. فرهنگی، ع. و حسینی، ح. ۱۳۷۸. رهبری و مدیریت در دانشگاه‌ها. پورتال جامع علوم انسانی، ۴۷: ۴۸-۳۴.
۲۱. قربانی شیخ نشین، الف. ۱۳۸۹. آموزش عالی و توسعه پایدار. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۲. کاراد. (۱۳۸۶). کارآفرینی چیست؟ دسترسی ۳۰ دیماه ۱۳۹۴، موجود در: [http://karad.irost.org/index\\_complete.asp](http://karad.irost.org/index_complete.asp)
۲۳. مقدسی فریمانی، ش. و زمانی، غ. ۱۳۸۶. رهیافت آموزشی: گزیداری برای دوره آموزش کشاورزی. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۳(۱): ۲۵-۱۱.
۲۴. مقیمی، م. و احمدپور داریانی، م. ۱۳۸۷. آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱(۱): ۲۴۵-۲۰۷.
۲۵. موحدی، ر. ۱۳۹۳. آموزش کشاورزی: چالش‌ها و فرصت‌ها (همراه با اضافات)، چاپ سوم. همدان: نشر شوق دانش.
۲۶. موحدی، ر.، میرزایی، خ.، سامیان، م. و اسماعیلی، ع. ۱۳۹۱. نوآوری‌های برنامه درسی در آموزش عالی کشاورزی. همدان: نشر سپهر دانش.
۲۷. ورمزیاری، ح. غنیان، م. برادران، م. ۱۳۸۷. دیدگاه دانشجویان نسبت به وضعیت نظام آموزش عالی کشاورزی در ایران: چالش‌ها و راهکارها (مطالعه موردی: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین). فصلنامه دانش کشاورزی، ۱۸(۴): ۵۲-۳۹.

۲۸. یعقوبی، ج. ۱۳۸۸. موانع و مکانیزم ارائه برای تقویت کارآفرینی کشاورزی در آموزش عالی. مجله توسعه کسب و کار کارآفرینی، ۳: ۱۳۹-۱۲۱.

29. Abdul Majid, I., and loon Koe, W. 2012. Sustainable Entrepreneurship (SE): A Revised Model Based on Triple Bottom Line (TBL). *International Journal of Academic Research in Business and Social*, 2(6): 69-90.
30. Abrahamsson, A. 2007. Researching Sustainable entrepreneurship- Conditions, Concepts, Approaches, Arenas and Questions: An Invitation to Authentic Sustainability Business Forces. Conference proceedings in 13th International Sustainable Development Research Conference, June 10-12, 2007, Mälardalens Hogskola, Vasteras.
31. Bartlett P, F., and Chase G, W. 2004. Sustainability on Campus. Cambridge: MIT Press.
32. Cohen, B., and Winn, M.I. 2007. Market Imperfections, Opportunity and Sustainable Entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 22(1): 29-49.
33. Cotton, J. 1990. Enterprise Education Experience A Manual for School Based In Service Training. CASDEC.
34. Crals, E., and Vereck, L. 2004. Sustainable Entrepreneurship in SMEs: Theory and Practice. Conference proceedings in 3<sup>rd</sup> Global Conference on Environmental Justice and Global Citizenship, February 12-14, 2004, Copenhagen, Denmark.
35. Dean, T.J., and McMullen, J.S. 2007. Toward a Theory of Sustainable Entrepreneurship: Reducing Environmental Degradation through Entrepreneurial Action. *Journal of Business Venturing*, 22(1): 50-76.
36. Dixon, S.E.A., and Clifford, A. 2007. Ecopreneurship: A New Approach to Managing the Triple Bottom Line. *Journal of Organizational Change Management*, 20(3): 326-345.
37. Elton, L. 2003. Dissemination of innovations in higher education: a change theory approach. *Tertiary Education and Management*, 9: 199-214.
38. Gallowy, L., and et al., 2005. Enterprise skills for the economy. *Education and Training*, 47(1): 7-17.
39. Garavan, T., and O'cinneide, B. 1994. Entrepreneurship Education and Training Programmes: A review and Valuation (part2). *Journal of European Industrial Training*, 18(11): 13-27.
40. Gibb, A. 1987. Enterprise Culture – Its Meaning and Implications for Education and Training. *Journal of European Industrial Training*, 11(2): 2-38.
41. Gibb, A., and Davies, L. 1990. In pursuit of frameworks for the development of growth models of the small business. *International Small Business Journal*, 9(1): 15-31.

42. Gibbs, D. 2009. Sustainability Entrepreneurs, Ecopreneurs and the Development of a Sustainable Economy. *Greener Management International*, 55: 63-78.
43. Hall, J.K., Daneke, G.A., and Lenox, M.J. 2010. Sustainable Development and Entrepreneurship: Past Contributions and Future Directions. *Journal of Business Venturing*, 25(5): 439-448.
44. Hockerts, K., and Wustenhagen, R. 2010. Greening Goliaths versus Emerging Davids: Theorizing about the Role of Incumbents and New Entrants in Sustainable Entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 25(5): 481-492.
45. Krueger, N.F. 2005. Sustainable Entrepreneurship: Broadening the Definition of Opportunity. Conference proceedings in 19th National Conference of United States Association for Small Business and Entrepreneurship (USASBE), January 13-16, 2005 California, USA.
46. Lozano, R. 2006. Incorporation and institutionalization of SD into universities: breaking through barriers to change. *Journal of Cleaner Production*, 14(9-11): 787-796.
47. Lozano, R. 2010. Diffusion of sustainable development in universities' curricula: an empirical example from Cardiff University. *Journal of Cleaner Production*, 18: 637-644.
48. Nurse, K. 2006. Culture as the Fourth Pillar of Sustainable Development. *Small States: Economic Review and Basic Statistics*, 11: 28-40.
49. O'Neil, I., and Ucbasaran, D. 2009. Sustainable Entrepreneurship and Career Transitions: The Role of Individual Identity. Conference proceedings in 8th International AGSE Entrepreneurship Research Exchange Conference. February 1-4. Swinburne University of Technology. Melbourne, Australia.
50. Parrish, B.D. 2010. Sustainability-Driven Entrepreneurship: Principles of Organization Design. *Journal of Business Venturing*, 25(5): 510-523.
51. Parrish, B.D., and Foxon, T.J. 2009. Sustainability Entrepreneurship and Equitable Transitions to a Low-Carbon Economy. *Green Management International*, 55: 47-62.
52. Schaper, M. 2002. The Essence of Ecopreneurship. *Green Management International*, 38: 26-30.
53. Schick, H., Marxen, S., and Freimann, J. 2005. Sustainability in the Start-up Process. In Schaper, M. (Eds.), *Making Ecopreneurs: Developing Sustainable Entrepreneurship* (108-121). Hampshire: Ashgate Publishing.
54. Schlange, L.E. 2006. What Drives Sustainable Entrepreneurs? Conference proceedings in 3rd Applied Business and Entrepreneurship Association International (ABEAI) Conference, November 16-20, 2006, Kona, Hawaii.
55. Shepherd, D.A., and Patzelt, H. 2008. Sustainable Entrepreneurship: Entrepreneurial Mechanisms Linking What is to be sustained with what is to be developed. Conference proceedings in 5<sup>th</sup> International AGSE Entrepreneurship

- Research Exchange, February 5-8, Swinburne University of Technology, Melbourne, Australia.
56. Slaper, T.F., and Hall, T.J. 2011. The Triple Bottom Line: What Is It and How Does It Work? Indiana Business Review Magazine, March 22, 2011.
57. The world commission on Environment and development. 1987. "Our common future". Oxford university press: New York.
58. Tilley, F., and Young, W. 2009. Sustainability Entrepreneurs: Could They Be the True Wealth Generators of the Future? Green Management International, 55: 79-92.
59. UNESCO. 2002. Education for Sustainability- Lessons Learnt from a Decade of Commitment.
60. Vesper, Karl H., and Gartner. William B. 2000. University Entrepreneurship Programs, University of Southern California, Marshall School of Business.
61. Walter, S., and Dohse, D. 2009. The Interplay between entrepreneurship education and regional knowledge potential in forming entrepreneurial intentions. Kiel Working Papers.



Gorgan University of Agricultural  
Sciences and Natural Resources

*Journal of Entrepreneurship in Agriculture* Vol. 3 (1), 2016  
<http://jead.gau.ac.ir>

## **Development of Agricultural Higher Education with Emphasis on Sustainable Entrepreneurship**

**R. Movahedi<sup>1</sup>, F. Goli<sup>2</sup> and M. Yousofi Mohammadi<sup>2</sup>**

<sup>1</sup>Associate Prof., Dept. of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture,  
Bu-Ali Sina University, Hamedan, <sup>2</sup>M.Sc. Student, Dept. of Agricultural Extension and  
Education, College of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan

Received: 12/7/2015 ; Accepted: 10/2/2016

### **Abstract**

Higher education development has a great importance as one of the developmental infrastructures in every country. Therefore, development of agricultural higher education can play a vital role in agricultural development as well as it guarantees both integrated and sustainable agricultural growth. The importance of agricultural sector in both Iran's economic and social development brings about a more consideration and shift of the universities and agricultural higher education centers to sustainable entrepreneurship in order to improve the agricultural businesses. Sustainable entrepreneurship tries to ease access to developmental aims through concentration on available resources and conservation for the future generation. Agricultural higher education system and its development play a very important role in capacity building, culture building, and promotion of both entrepreneurship and sustainable entrepreneurship. This study has done through a library research method with an aim of reviewing on agricultural higher education development and the role of sustainable entrepreneurship. Therefore, the paper has first searched the role of higher education on development, sustainable entrepreneurship and its concepts, and then linked agricultural higher education to the sustainable entrepreneurship. Eventually, by reviewing on agricultural higher education challenges some solutions have been presented for integrating sustainable entrepreneurship into agricultural higher education.

**Keywords:** Entrepreneurship Development, Sustainable entrepreneurship, Agricultural higher education, Entrepreneurship education

---

\*Corresponding author: [r.movahedi@basu.ac.ir](mailto:r.movahedi@basu.ac.ir)

